دکتر طباطبائی معاون وزارت کشور فاش کرد:

عراق، به تشویق شاه مخلوع به مرزهای ایران تجاوز میکند

مساله حملات بیاسی و کستاخانه رژیم بعثی عراق به مرزهای کشورما و تحریکات رادیوها و روزنامه های خامه بمزد کشور عراق‌عربی و غربی و ماجراجوئی های عوامل بیگانه در خوزستان و سرنوشت‌امام موسی‌صدر و مبارزات شجاعانه مردم عراق علیه رژیم خودکامه آنکشور از جمله مسائلی است که دکترصادق‌طباطبائی معاون وزارت‌کشوربیرامون آنها سخن گفته است .

دکتر طباطبائی در مورد تحریکات برون مرزی گفت: آن قسمت که وارد مرحله عمل شده بیشتر از ناحیه عراق است که اینک ما با آن دست بگریبان هستیم .

وی افزود : دولت عراق از پیروزی انقلاب ایران احساس خطر کرده است ، دولت بعثی عراق که چند سال پیش با یک کودتـــا سرکار آمد ، در تمام مدتی که حکومت کرده است از مقاومت در بین‌مردم‌مسلمانان عراق بوجود بیاید و پیروزی انقلاب ایران یک حرکتی‌را بوجود آورد بخصوص بین شیعیان عـــراق که اکثریت ساکنان را تشکیل میدهند .

نفوذ شاه مخلوع در عراق

وی اضافه‌کرد :بایپروزی انقلاب ایران یک احساس مقاومت در مردم عـــراق تقویت شد و با اقدامـاتی که آیت‌الله سید محمد باقر صدر در این هفتهها و ماه گذشته انجام دادمورد زمینه مبارزه علنی شیعیان عـــراق علیه دولت مرکزی همـــوار شد .

مـــاوزارت کشور اضافه کرد : مسئله دیگری که در عراق وجود دارد و دولت عراق احساس خطـر میکند مسئله کردهاست ، در سالیان گذشته دولت‌عراق با کردها دست بگریبان‌بود ولی با کمک شاه سابـق توانست مسئله کردها را حل کند ، و کردها نتوانند از امکانات ایران بهره برداری کنند و حتی ایران مراکز مورد جلوی تحرک کردها را گرفت ، حالا این مسئله عوض شده و دولت مرکزی ایران به آن قراردادِ دیگر پایبند نیست ، بنابراین رژیم بعثی عراق هم از ناحیـــه کردها از شمال و هم از نـــاحیه شیعیان از جنوب احساس خطر میکند . در حقیقت مانند یک گازانبری دولت مرکزی تحت فشار است و در داخل کشور با یک بحران مواجه گردیده و برای رهائی از این‌بحران کوشش میکند که این‌بحران را ولو اینکه موقتی هـــم باشد به خارج از مرز خود منتقل کند بدینجهت دولت عراق دست به این اقدامات زده البته ایران‌را نیز صریحا میتوان گفت که ایادی‌کشته رژیم و حتی‌خود محمدرضا توسط افرادی که به عراق آمد میکنندودولت عراق را بر این کار و دخالتدر مرزهای ایران و ایجـــاد درگیری با دولت ایـــران تشویق کردند .

صادق طباطبائی

بازدید صدام‌حسین

دکتر طباطبائـــی گفت : اطلاعاتی بدست دوستررسیده که بوالهائی‌از طرفدارسابق به افراد وابسته خود در عراق داده شده وگفته می شود صدام حسین به نوار مرزی مسافرت کرده و از نزدیک این مناطق را بازدید نموده است و گفته میشود بولهای زیادی از طـــرف محمد رضا و ایادیش بـــه عده‌ای از افراد وابسته بـــه عراق و دیگرها نیز داده شده است . این اقدامات بیشتر از طرف‌ساسایک سیاستمداران عراق داده‌شده و گفته میشود که بالیزبان آبادان‌با انفجارو آتش‌سوزی در بندر گمرک خرمشهر طبیعی است توسط کسانی صورت میگیردکه انگیزه‌های شیوه‌های ترور ، اختناق و سرکوبی آزادیخواهان و نفی هرگونه پایه هـــای دموکراسی و آزادی عمـل کرده و جلو رفته است .

این دولت البته با زور سر نیزه نو انسته استحرم را تاحال خفه نگه دارد، اقداماتی که در موردبیرون کردن ایرانیان و غیر عراقی ها در سالهای گذشته ما به یاد داریم و نمونه شیوه رفتار حکومت بعث عـــراق است و طبیعی استکه‌زمینه آرامش ببخشدو باقراردادی که در الجزایر بین عراق و ایران بسته شد ، دوکشور تعهد دادند که دولت عراق به مخالفین رژیم ایران کـه در عراق بودند و ازرادیو عراق استفاده تبلیغاتی علیه رژیم ایران‌میکردند وسیاست رژیم ایران را افشاء می ـ نمودند، امکان فعالیتکنندد و در قبالش‌ایران هیکوشش میکند تا ملا مصطفی بارزانی که رهبر کردها بود و در ایران بسر میبرد نتوانـــد تخریبی در خود و خارج از مجس، راه طرح نظرهای دیگر را در مجس، می‌بندد، حسی در را بجائی میرساند کـــه جانبداران نحرمانی که نبایـــد طرح بـــودند، در مجس بحث سوءاند حاضر بسوند.

مساله مرگ وزنده بـــودن امـــام موسی صدر هنوز مسجل‌نشده و اقدامات ما برای‌اطلاع‌ازسر نوشت امام ادامه دارد

و اگر این رویه مورتیفتاد بطرزرعیت مسائل اسیبی، موسل می‌شوند و بی‌رویدد خود بکیرد و ... علت اینهاین روسها موفق می‌شوند ،است که افرادبیرزم سانسورمعتادند و همناطور که آمد، بسیارند کسانی که تنها در مجلسی شرکت میکنند که در آنجرف هایی‌پاب‌بیستسان زدمی‌شوند، شدت اعتیاد بحدی است کـــه وقتی در مجلسی شرکتمیکنند که حرفهای باب طبعشان زده نمیشود، عصبانی می‌شود و آرامش خودراز دستمیدهند. همین اعتیاد بمرزیم سانسور است که بزرگترین بـــاور سانسورچیان در جنایـــات بزرگشان بخود و به نسل‌های دیروز و امروز شد.

ـ یک صورت دیگرگریزاندن از بحث آزاد، ترویج کیش شخصیت یعنی تبلیغ مطلقت، این شخصیت ویا آن گروه، این عقیده ویا آن نظـــر ایدئولوژیک است. پس ازآنکه محیط ازاین مطلق‌ها برشدند، البته ترس مانع از اظهار نظر میشود این ترس هزاران بارازترس از جاسوسان، کارچی‌ها و نوترنترات، از ابیروست که امام صادق(ع) با قاطعیت و پیگیری باکیش شخصیت و معنای مطلق کردن شخصیت و خرافه‌پنهان‌مبارزه کرد وفرمودم حرفهایی ما میتوانید بحث کنید و درباره آنها اظهار نظر کنید. این نوع‌سانسور بیشتر وقتی بکار گرفته می شود که قوه سر نیزه در اختیار نیست . مثلا نـــزد گروههای مخالف این روش بسیار باشن می‌آید.

ـ یک صورت‌دیگر گریزاندن از بحث آزاد، طرح یکجانبه مسائل وباصطلاح تعیـــین موضوعات وبحث‌بنحوی است که مانع طرح نظرهـــای دیگر بگیرد. ظاهر امر اینستکه بحث آزاد صورت نمیگیرد، اما در واقع با اعمال روشهـای تخریبی در مجس، راه طرح نظرهای دیگر را در مجس، می‌بندد. حسی حقیقت به علت آنکه هرکسدر خود منعهائی برای اظـــهار مطالبی می‌یابد که‌فقاد اورا آنسان کهخست‌آشکارمیکنند، بناچار خطه بطرف مقابل،وسیله از میدان بدر کردراو میشود. همین رویه از نسلی به نسلی منتقل شده است و امروزعلاج آن کاری بغایت مشکل گشته است.

یک صورت دیگر گریزاندن از بحث آزاد، اینست کهگروه ها و افرادی که در «بحث‌آزاد» موفقیتهای خود را از دست میدهند حتی‌الفقدورمی‌کوشند «بیورون» خود را از سرکنند آن بازدارند. وجود رفتارها واعتیادها که از آنها سخن رفت، موجب میگردد که دراین کار تاحدود زیاد موفق‌گردند. اگر بتوانند نسبت به شخصو یاگروه و یا فکر و عـــقیده حساسیت، بوجود آورند ، البته کار سانسور منفی کـه همان جلوگیری از شرکت در مجالس بحث باشد، بسیارآسان میگردد.

یک صورت دیگر گریزاندن از بحث‌آزاد، طرح کردن خود بحث و بوجودآوردن بحث دیگر است‌آزاد، حاکم کردن روش ایدئولوژیک است. پس ازآنکه جلسه با جنگ اعصاب شدید شروع وختم می‌شود و کار بمجالی میرسد که مبادله فکری عملا غیرممکن میشود و افراد چاره نمی‌بینند جز آنکهدرزال خود را از انواع تیوریهاپذیرا و آنها رابهرسو پرتاب نمایند. زبانی که‌آموخته میشود،زبان ناسزا و تهمت و ... است.از اینروست که وقتی‌مخالفان‌رژیم های استبداد نیز کارشان در بکرشته «تعریف» و «تکذیب» خلاصه می‌شود، جامعه عقیم میگردد و آن اندیشه نمی‌یابد والبته میزان ایکبار بسیار پائین می‌آید.

ـ یک صورت‌دیگر گریزاندن از بحث آزاد، طرح یکجانبه مسائل وباصطلاح تعیـــین موضوعات وبحث‌بنحوی است که مانع طرح نظرهـــای دیگر بگیرد. ظاهر امر اینستکه بحث آزاد صورت نمیگیرد، اما در واقع با اعمال روشهـای

سانسور بروایت بنی‌صدر-۳

سانسور «بحث آزاد» بدتر از سانسور باسر نیزه!

تاید در کنتر جامعه‌ی‌مل جامعه ما است که کار مباحثه بایس سرعت بمنازعه بکشد و حقیقت به علت آنکه هرکسدر خود منعهائی برای اظـــهار مطالبی می‌یابد که‌فقاد اورا آنسان کهخست‌آشکارمیکنند، بناچار خطه بطرف مقابل،وسیله از میدان بدر کردراو میشود. همین رویه از نسلی به نسلی منتقل شده است و امروزعلاج آن کاری بغایت مشکل گشته است.

یک صورت دیگر گریزاندن از بحث آزاد، اینست کهگروه ها و افرادی که در «بحث‌آزاد» موفقیتهای خود را از دست میدهند حتی‌الفقدورمی‌کوشند «بیورون» خود را از سرکنند آن بازدارند. وجود رفتارها واعتیادها که از آنها سخن رفت، موجب میگردد که دراین کار تاحدود زیاد موفق‌گردند. اگر بتوانند نسبت به شخصو یاگروه و یا فکر و عـــقیده حساسیت، بوجود آورند ، البته کار سانسور منفی کـه همان جلوگیری از شرکت در مجالس بحث باشد، بسیارآسان میگردد.

یک صورت دیگر گریزاندن از بحث‌آزاد، طرح کردن خود و بحث و بوجودآوردن بحث دیگر است‌آزاد، حاکم کردن روش ایدئولوژیک است. پس ازآنکه جلسه با جنگ اعصاب شدید شروع وختم می‌شود و کار بمجالی میرسد که مبادله فکری عملا غیرممکن میشود و افراد چاره نمی‌بینند جز آنکهدرزال خود را از انواع تیوریهاپذیرا و آنها رابهرسو پرتاب نمایند. زبانی که‌آموخته میشود،زبان ناسزا و تهمت و ... است.از اینروست که وقتی‌مخالفان‌رژیم های استبداد نیز کارشان در بکرشته «تعریف» و «تکذیب» خلاصه می‌شود، جامعه عقیم میگردد و آن اندیشه نمی‌یابد والبته میزان ایکبار بسیار پائین می‌آید.

ـ یک صورت‌دیگر گریزاندن از بحث آزاد، طرح یکجانبه مسائل وباصطلاح تعیـــین موضوعات وبحث‌بنحوی است که مانع طرح نظرهـــای دیگر بگیرد. ظاهر امر اینستکه بحث آزاد صورت نمیگیرد، اما در واقع با اعمال روشهـای

ابوالحسن بنی‌صدر

دامنه مباحثات خـــود را محدودتر کرده است تابدان حد که رساله‌های عملیه ،در آداب عبادات خلاصه گشته و حتی فاقد رهنمود هـــای عملی درباره همین عبادات هستند که ابو اب مادیت را بروی افق پایان ناپیـــدای معنویت می‌گشاید . اینکار را میگفت . حتی گروهی که بنام یک عقیده و برای پیش‌برد آن عقیده کار می‌ـ کند ، در محتوی آن‌مناسب احتیاجات خود ، دخل و تصرف میکنند . بقول کلنتی مارکسیستها ، عنـــوان مارکسیسم را برای تحمیل عقیده خود بکار میبرند . اما مارکسیستترین نظرها، بکار می‌برند اما همین دست برای جلوگیری از اینکار بوده است ، کهفرآن در این ساخت را دارد،اصول دین در آیات متعکس شده است . اینست که بـــرای تغییر محتوی دین ، محتوی اصول آنرا تغییر داده و رابطه آنرا با بیان قرآنـــی قطع کردهاند .

با از میان‌رفتن زمینه‌های سیاسی و فرهنگی‌و اقتصادی و اجتماعی، اینکار وبرقرار شدن سانسور دینـــی و عقیدتی ، اندیشه و دست نمیتوانند بیکار بمانند ،باید آنها را به کارهائی گمارد . کارهائی که به آنها عرضه میشوند ، کارهای تخریبی و تقلیدی هستند . زمینه عمل، زمینه تشبیهجوئی و تخریب بیان قرآنی که زیر سلطهرا شورزار بدل کرده وجوانه هر استعدادی بخشکد .

ـ یک صورت دیگـــر گریزانـــدن از بحث آزاد ، رای‌گیری و حکم باخراج دارندهعقیده مخالف و یا جار و جنجال بیاکردن و ... برای‌جلوگیری از طرح یک نظر و ادامـــه یک بحث ، از کارهـــای روزمره و جاری است ... و ... و بهمگام بحث‌از انواع سانسورها از نو به این امور پرداخته می‌شود، عجالتا باید گفت کـــه از واجبترین کارها‌از بین‌بردن این شیوه‌های حاکم بـــر مجالس بحث است و بـــا قاطعیت تمام .

حال میپرازیم بسانسور یک عقیده و یا دین و یا ایدئولوژیو سائل مقلونی، قانون دیـــن رسمی کشور گفته است . این سانسور در طول تاریخ کشور چـــه بیش و چه پس از آن امری مستمر بوده است . امـــا بی‌گمان در هیچ زمان و در هیچ کجا ، شدت سانسور بدآن حد نرسیده است کـه در رژیم هـــای استانیسیت بدان رسیده است . بـــرای نگارنده یقین است که اگـر انواع سانسورها در کـار نبودند ، بشر عقیده رهائی بخش اسلام را پذیرفته بود و جهان ویرانی و تباهی و فساد ، به بهشت ومزرعه پرورش استعدادهای‌انسان ها و همه انسانها دل‌گشته بود .

و افسوس که مسلمان‌ها خود نیزبه بیمارکیزوردهای و سانسور مبتلا شدند .

منع از ابتکار و اجتهاد در زمینه سیاسی وخصوص آنچه به رژیمسیاسی‌مربوط میشود ، امر تازه‌ای نیست. اثرات این سانسور بـــر دانش اسلامی بصورت فقر عظیم در زمینه مباحث راجع به رژیم سیاسی ، رهبری سیاسی ، رژیم اقتصادی ، ساخت‌های اجتماعی و .... مشکلات بزرگی در دو قرن اخیر بوجود آورده است. هر اندازه دایره سانسور تنگتر شده است ، فقه نیز بوزینه بدل گردد وجوانه هر استعدادی بخشکد .

ـ یک صورت دیگـــر گریزانـــدن از بحث آزاد ، رای‌گیری و حکم باخراج دارندهعقیده مخالف و یا جار و جنجال بیاکردن و ... برای‌جلوگیری از طرح یک نظر و ادامـــه یک بحث ، از کارهـــای روزمره و جاری است ... و ... و بهمگام بحث‌از انواع سانسورها از نو به این امور پرداخته می‌شود، عجالتا باید گفت کـــه از واجبترین کارها‌از بین‌بردن این شیوه‌های حاکم بـــر مجالس بحث است و بـــا قاطعیت تمام .

حال میپرازیم بسانسور یک عقیده و یا دین و یا ایدئولوژیو سائل مقلونی، قانون دیـــن رسمی کشور گفته است . این سانسور در طول تاریخ کشور چـــه بیش و چه پس از آن امری مستمر بوده است . امـــا بی‌گمان در هیچ زمان و در هیچ کجا ، شدت سانسور بدآن حد نرسیده است کـه در رژیم هـــای استانیسیت بدان رسیده است . بـــرای نگارنده یقین است که اگـر انواع سانسورها در کـار نبودند ، بشر عقیده رهائی بخش اسلام را پذیرفته بود و جهان ویرانی و تباهی و فساد ، به بهشت ومزرعه پرورش استعدادهای‌انسان ها و همه انسانها دل‌گشته بود .

و افسوس که مسلمان‌ها خود نیزبه بیمارکیزوردهای و سانسور مبتلا شدند .

منع از ابتکار و اجتهاد در زمینه سیاسی وخصوص آنچه به رژیمسیاسی‌مربوط میشود ، امر تازه‌ای نیست. اثرات این سانسور بـــر دانش اسلامی بصورت فقر عظیم در زمینه مباحث راجع به رژیم سیاسی ، رهبری سیاسی ، رژیم اقتصادی ، ساخت‌های اجتماعی و .... مشکلات بزرگی در دو قرن اخیر بوجود آورده است. هر اندازه دایره سانسور تنگتر شده است ، فقه نیز نظریه در عمل است ، وقتی اخلاق غیر دینی شد ، بتدریج دین‌نیز خود را با اخلاق غیر دینی وفق می دهد . شدت خطر را بین که امروزه همـــه دنبال آسم میروند و رسم را رها کرده‌اند . طوری که اگر مطلبی و نوشته‌ئی در یک نشریه‌ئی که اسم مارکسیستـــی دارد ، درج شود واو (نوشته نـــوع سانسور مهمترین و مو مترترین‌نوع آن‌دردوران معاصر است و غرب از روی قرار وقاعده آنرا درباره‌همه مردم دنیا بکار میبرد .

تکمیل این فهرست را بـــه کسانی میگذارم که‌این‌نوشته‌را بقصد عمل کردن ومبارزه با سانسور و نجات نسل‌امروز میخوانند . مقصود اشاره به مهمترین موارد بود .

سانسور در قلمرو اقتصاد:

در این زمینه ، سانسور هـــا آشکارترند و مصائبی عظیمه شود و اگر مردم آن گذاشته و زمینه مصرف را تنها زمینه عمل یدقه و در آن پیشتن رفته‌اند . طوریکه میل شدید مصرف ، و خود مصرف مانع از دیدن عمق‌ابوی موجودیت اقتصادی کشور گشته است. اگر در قرن ، زمینه کو محدود بلکه معدوم است ،ودر زمینه زمینه‌ی‌سیاسی‌اقتصادی، وضع آز آنهم بدتر است ، حکومت لینان گفت : آخرین اطلاعات مرو دوستان مرحاکی موجودایشان هرگز خاك لبی از ترك نکرده و اظهاراتدولت لبی مبنی برایتکه آیشان در تاریخ ۷۸ اوت ۷۸ برای رسیدن قصد ایتالیا ترك کرده ایـــن ادعا دروغ‌است وصحت ندارد و تمام راههائـــی که گفتـــه‌شده اندازه یکدیگر بازنیستند ، همه میك اندازه از اطلاعات ، آگاه نمیگردند . میتوان‌گفت وجود مرزهای‌اجتماعی‌کوتاکون موجب گشته است که ارتباط اجتماعی به‌آسانی ممکن‌نگردد و همین امر از مشکلات مهم تماس گرفتن بادیگری شده است .

شدت سانسور در همه‌تاریخ طولانی کشور، موجب گشته است که خانواده‌ها و یا گروه های مختلفی که تشکیل می‌ـ شوند ، میان خود و دیگران مرز قائل بشوند . یکسانی که از هر جهت قابل اعتبار است که طی قرن ها و ژوندزاز همه قلمرو اخلاق بیرون برده‌اند . جرا که‌اخلاق در زمینه مصرف، نیز اثرات جلوه که در همان سانسورنیز مستقیم وشد بعلاوه سانسورـ های مستقیم که عمده ازسوی رژیم حاکم اعمال میشود ، وروزبروز اختیار انتخاب بیشتر از دست میرود . ته‌میف‌بطه های دینی ـ فرهنگی‌واجتماعی مصرف جای خود را به ضوابط جدیدی می‌سپرند . جلوگیری از هرگونه انتقاد و هر قسم انتخاب ، بتدریج در طرزفکر و رفتار مردم اثر گذاشته و زمینه مصرف را تنها زمینه عمل یدقه و در آن پیشتن رفته‌اند . طوریکه میل شدید مصرف ، و خود مصرف مانع از دیدن عمق‌ابوی موجودیت اقتصادی کشور گشته است. اگر در قرن ، زمینه کو محدود بلکه معدوم است ،ودر زمینه زمینه‌ی‌سیاسی‌اقتصادی، وضع آز آنهم بدتر است ، حکومت لینان گفت : آخرین اطلاعات مرو دوستان مرحاکی موجودایشان هرگز خاك لبی از ترك نکرده و اظهاراتدولت لبی مبنی برایتکه آیشان در تاریخ ۷۸ اوت ۷۸ برای رسیدن قصد ایتالیا ترك کرده ایـــن ادعا دروغ‌است وصحت ندارد و تمام راههائـــی که گفتـــه‌شده اندازه یکدیگر بازنیستند ، همه میك اندازه از اطلاعات ، آگاه نمیگردند . میتوان‌گفت وجود مرزهای‌اجتماعی‌کوتاکون موجب گشته است که ارتباط اجتماعی به‌آسانی ممکن‌نگردد بگیرد و برای روشن کردن این مسئله نتایج بدست آمده به‌موقع خود باملاع عموم‌خواهد رسید . معاون وزیر کشور در پایان گفت: اینکه آیامومسی صدر هنوز زنده هستند یا نه نشده و مرزهای اخبار و اطلاعات متناقضی وجود دارد .البته‌مبـ ـ ـ